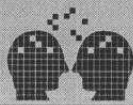


شماره ۶ خرداس
۱۶۳۸۸۲۲



کانون نشر علوم

مبانی حقوقی

دادخواست

نویسنده:

دکتر غلامرضا طیرانیان

ناشر:

کانون نشر علوم

www.ketab.ir



سرشناسه: طیرانیان، غلامرضا، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور: مبانی حقوقی دادخواست/ غلامرضا طیرانیان.
مشخصات نشر: تهران: کانون نشر علوم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۴۰۵ ص.
شابک: ۹۷۸۹۶۴۳۲۷۱۳۹۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: دادخواست (آیین دادرسی مدنی) — ایران
موضوع: نامه‌نگاری حقوقی
موضوع: حقوق — نویسندگی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ م ۹ ط ۱۷۱۰ / KMH
رده‌بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۷۹۶۶

نام کتاب: مبانی حقوقی دادخواست
ناشر: کانون نشر علوم
نویسنده: دکتر غلامرضا طیرانیان
صفحه‌آرا: فاطمه سلطانی
طرح جلد: زهرا سلطان‌آبادی
چاپ اول ناشر: زمستان ۱۳۹۷
تیراژ: ۱۰۰۰
چاپ و صحافی: کانون نشر علوم
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۷-۱۳۹-۸

دفتر مرکزی پخش: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان وحید نظری شرقی، پلاک ۶۵، واحد ۱

تلفن: ۶۶۹۶۱۵۶۸-۶۶۴۹۴۹۱۱



پیشگفتار

مدیریت دعوی با وکیل دادگستری است. این مدیریت از نخستین مراجعه به دفتر وکالت آغاز می‌شود. صدور رأی قطعی و نهایی قاضی که حکومت بر دعوی با اوست نقطه‌ی پایان مدیریت و نشانه‌ی توانمندی یا ضعف وکیل در مدیریت دعوی است. لذا باید پذیرفت که بخش مهمی از مدیریت دعوی قبل از تقدیم دادخواست و مداخله‌ی مقام قضایی اعمال می‌گردد، بخشی که شامل بررسی و شناخت انتظار موکل از اقامه‌ی دعوی است، سپس خواسته‌ی موکل به قانون عرضه می‌شود، چنانچه پاسخ قانون مثبت بود، در این صورت خطوط اصلی دادخواست در ذهن وکیل شکل می‌گیرد.

اینک و همچنان قبل از تقدیم دادخواست، نوبت با بخش دیگری از مدیریت دعوی است. یعنی بررسی و ارزیابی دلایل اثبات دعوی، دلایلی که موکل در اختیار دارد و اگر این دلایل برای اثبات حقانیت موکل کفایت نکند، وکیل موظف است هدایت صحیح و قانونی موکل را در جمع‌آوری دلایل برعهده گیرد. وکیل در این بررسی باید دلایل را از حیث دلالت، اصالت و حجیت دقیقاً ارزیابی و همواره دفاع در برابر دلایل را مدنظر قرار دهد.

این بخش از مدیریت دعوی نیازمند علم و تجربه و فوق‌العاده حائز اهمیت است و آنگاه که وکیل و موکل در تعریف موفقیت در دعوی به توافق رسیدند، زمان تنظیم دادخواست فرامی‌رسد.

برگ‌های چایی و آماده که در اختیار عموم دادخواهان و در اختیار وکلای دادگستری، اندکی راهنمایی در چگونگی اقامه‌ی دعوی است و نشان می‌دهد که ارکان اصلی هر دعوی عبارتست از وجود دو شخصیت حقیقی یا حقوقی واجد اهلیت تمتع و استیفاء، به‌نام خواهان و خوانده و خواسته‌ی دعوی که باید منجزاً و دقیقاً تعیین و تقویم شود و نیز دلایل و منضمات دادخواست یعنی وسائل و ادله‌ای که خواهان برای اثبات ادعای خود در اختیار دارد، از قبیل اسناد و نوشته‌ها و اطلاع مطلعین و غیره و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان به‌طور صحیح معین شود.

پس از قانون مدنی، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ شمسی مستحکم‌ترین قانونی بود، حاوی پاسخ‌های روشن و موجه و قابل فهم در برابر پرسش‌ها و ابهامات فراوان قضایی، متکی به قواعد و اصولی از دادرسی که تغییر هر یک از آنها، فقط به منظور تغییر،



نه به قصد اصلاح آن، شیرازه‌ی رسیدگی به دعاوی را مختل نمود. این قانون نیز مورد هجوم و دستخوش تغییرات متعدد، ناموزون و ناهماهنگ قرار گرفت که در بسیاری از مسائل هیچ‌یک از قضات و وکلای دادگستری نتوانستند به علت این تغییرات و مصوبات جایگزین آن، از قبیل قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو، یکدیگر را به صحت و قبول نظر خود قانع کنند، الا اینکه قاضی به لحاظ برخورداری از اقتدار قانونی و حکومت بر دعوی، استنباط خود را از این قوانین برتر می‌پنداشت و وکیل و موکل ناگزیر به تسلیم در برابر آن می‌شدند.

طبیعی است که دادخواهی و دفاع اصحاب دعوی در طول سه دهه‌ی اخیر تابع قوانین حاکم در زمان تنظیم دادخواست می‌باشد، ولی از آنجا که دادخواست‌های مجموعه حاضر که به علاقمندان تقدیم می‌شود، در صورتی می‌تواند مفید و قابل بهره‌برداری باشد که مطابق مقررات لازم‌الاجراء دادرسی در زمان انتشار کتاب تنظیم و تدوین گردد. به همین علت دادخواست‌هایی مجلد حاضر که در طول سی سال گذشته به مراجع صالح قضایی در زمان خود تقدیم شده بود، براساس قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ شمسی و سایر قوانین جاری در دادرسی حقوقی بازنویسی گردیده است.

دادخواستی که وکیل دادگستری به مرجع قضایی تقدیم می‌کند، شکلی دارد و معنایی در محتوی، وکیل دادگستری آموزه‌های شکلی نگارش را در مدارس ابتدایی و متوسطه و دروس ادبیات فارسی از معلمین ورزیده و دانای خود آموخته و فراگرفته است تا بلندترین معانی را در کوتاه‌ترین نوشته بگنجاند و از اطاله و تکرار ملال‌آور کلام بپرهیزد. آنچنان که بر اشتیاق خواننده‌ی دادخواست و لوایح او افزوده شود و در پس هر کلمه و جمله‌ای به شوق آید و منتظر کلمه یا کلام بعدی باشد، ولی تا آنجایی باید کوتاه نوشت که از دلالت نکاهد. به عبارت دیگر نباید دلالت کلام را فدای قلت آن نمود، وکیل باید در دادخواست تنظیمی هر آنچه ضرورت اقتضاء کند، در احقاق حق موکل به نگارش درآورد.

نوشته‌ی وکیل باید با خط خوش تحریر شود و اگر دارای خط خوش و خوانا نباشد، از مهارت دیگران یا ابزار فنی متداول در این ایام که بسیار است، بهره ببرد. از قاضی نباید انتظار داشت متن دادخواست‌های ناخوانا و مغشوش را با رغبت تا پایان بخواند، ولی مهم‌تر و پر معنی‌تر از شکل دادخواست، تأکید راجع به منطق و استدلالی است که به نگارش دادخواست استحکام و به وکیل شخصیت می‌بخشد و مهارت علمی و تجربی او



را در دفاع از حق ارائه می‌کند. عالی‌ترین مهارت و عمیق‌ترین منطق وکیل دادگستری در دادخواست‌های او ظاهر می‌شود. اگر وکیل به‌شایستگی بتواند با توانمندی علمی و تجربه‌های اندوخته‌ی خود در دعاوی پیچیده و دشوار، دادخواستی تنظیم کند که تا پایان دادرسی از کژی و سستی مصون بماند، چنین وکیلی در ردیف وکلای لایق و موفق است که در مراجع قضایی نیز از کرامت لازم و شأن و منزلت وکالت دادگستری بهره‌مند خواهد شد.

هرچند از مفهوم ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بدست می‌آید که خواهان شخصیتی است حقیقی یا حقوقی که در صورت صدور حکم وفق خواسته، نتیجه و نفع اقامه‌ی دعوی عاید او گردد و یا طبق بند ۴ ماده‌ی ۸۴ قانون مزبور، خوانده باید شخصیتی باشد که دعوی لزوماً متوجه او گردد، معذک وکیل نباید تشخیص اصحاب دعوی را ساده و امری بدیهی انگارد. نمونه‌های بسیاری می‌توان ارائه نمود که ساعت‌ها، بلکه روزها ذهن اغلب وکلای دادگستری را در تشخیص شخص ذی‌نفع در دعوی، یعنی خواهان و یا شخصی که دعوی متوجه اوست، به خود معطوف داشته و برخی نیز در این تشخیص دچار اشتباه شده و دادخواست آنها در ابتدا و یا سال‌های بعد، پس از تحمل زحمت و تحمیل هزینه برای موکل، با قرار رد یا قرار عدم استماع دعوی مواجه و موجب تضییع حق موکل شده است.

باید بدانیم که برای تشخیص اصحاب دعوی، میزان رابطه‌ای حقوقی است بین اشخاص که سبب ایجاد حق برای یکی و تکلیف برای دیگری می‌شود، رابطه‌ای که ناشی از عمل حقوقی از قبیل عقود و ایقاعات و یا ناشی از قانون و به سبب وقایع حقوقی و حوادث گوناگونی از این قبیل می‌باشد. لذا باید از اشخاصی به‌عنوان اصحاب دعوی در دادخواست نام برد که مستقیماً و بلاواسطه بین آنها رابطه‌ی حقوقی ایجاد شده است و اشخاص دیگری جز قائم مقام قانونی طرفین که در انعقاد و ایجاد رابطه حقوقی نقشی نداشته، نمی‌توانند به‌عنوان خواهان و خوانده در دادرسی در مقابل یکدیگر قرار گیرند، هرچند ممکن است مع‌الواسطه از رأی دادگاه منتفع یا متضرر شوند.

رویه‌ی متداول در مراجع قضایی حاکی است که برخی دادرسان دعاوی مطروحه با خواسته‌ی تأیید، تنفیذ یا اعلام بطلان روابط حقوقی که توأم با محکومیت خوانده به انجام فعل یا ترک فعلی نباشد، را نمی‌پذیرند و نیز دادرسانی اقامه دعوی به طرفیت



اشخاص را به عنوان خوانده نیز لازم می دانند که استماع دفاع آنها در برابر ادعای خواهان ضرورت دارد و در صورت عدم رعایت این امر دعوی را مواجه با قرار عدم استماع دعوی می نماید.

متأسفانه قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که می بایست این نوع ابهامات را برطرف سازد، پاسخ قاطعی برای رفع این گونه اختلافات ارائه نمی کند و هر حقوقدانی از ماده ی ۲ ماده ۸۴ قانون مزبور، به نوعی مخصوص خود استنباط می کند که با توجه به ابهام و نارسایی این قانون، ایرادی بر هیچ یک از صاحبان عقاید مختلف و متضاد وارد نیست.

امیدواریم بتوان برای بسیاری از ابهامات موجود، با تشریح مبانی حقوقی دادخواست منتشره در این مجموعه، پاسخ هایی مستدل و مفیدی ارائه نمود.



فهرست مطالب

۴	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
	دادخواست اول
۱۶	«الزام به تنظیم سند رسمی انتقال و تسلیم مبیع و مطالبه‌ی خسارت تأخیر در ایفای تعهد»
	دادخواست دوم
۳۲	«تفکیک و تنظیم سند رسمی انتقال مفازه»
	دادخواست سوم
۳۹	«ایفای تعهد مبنی بر احداث بنا، تفکیک، تنظیم سند رسمی انتقال و تسلیم مبیع»
	دادخواست چهارم
۴۸	«تنظیم سند رسمی انتقال و صدور دستور موقت»
	دادخواست پنجم
۵۹	«تنظیم سند رسمی انتقال سهم‌الارث»
	دادخواست ششم
۶۸	«رد دعوی خوانده‌ی اول و الزام خوانده‌ی دوم به تنظیم سند رسمی انتقال و استقرار ید موکل»
	دادخواست هفتم
۷۹	«تنظیم سند رسمی انتقال و تسلیم مبیع و صدور دستور موقت»
	دادخواست هشتم
	«اعلام بی‌اعتباری وقفنامه، تفکیک و تنظیم سند رسمی انتقال قطعه‌ی مورد معامله و محکومیت خواندگان به پرداخت
۸۷	خسارت دادرسی هریک به قدرالسهم»
	دادخواست نهم
۹۶	«تفکیک رسمی آپارتمان‌های احدثی و تنظیم سند رسمی انتقال»
	دادخواست دهم
۱۰۰	«تنظیم سند رسمی انتقال و رفع تصرف عدوانی از آپارتمان»
	دادخواست یازدهم
۱۰۸	«تنظیم سند رسمی انتقال و تسلیم مبیع»
	دادخواست دوازدهم
۱۱۴	«تنظیم سند رسمی انتقال به‌موجب صلح‌نامه و واگذاری منافع به‌صورت عمری»
	دادخواست سیزدهم
۱۲۱	«تنظیم سند رسمی اجاره‌ی مسافرخانه»
	دادخواست چهاردهم
۱۲۸	«رد یک قطعه زمین از طریق تنظیم سند رسمی انتقال، خلع‌ید و صدور دستور موقت»
	دادخواست پانزدهم
۱۳۶	«صدور دستور موقت، دستور رفع بازداشت، تنظیم سند رسمی انتقال، رفع بازداشت از ملک مزبور و ابطال عملیات اجرایی»
	دادخواست شانزدهم
۱۴۶	«تنظیم سند رسمی انتقال کلیه‌ی اعیانی احدثی و اشجار مفروسه و رد دعوی خلع‌ید و مطالبه‌ی اجور»
	دادخواست هجدهم
۱۵۵	«تنظیم سند رسمی انتقال و تسلیم مبیع»
	دادخواست هجدهم
۱۵۹	«الزام به انتقال سه‌دانگ مشاع دو قطعه تفکیکی و خلع‌ید»



- دادخواست نوزدهم
«افراز و تقسیم یکجانب منازعه دو دهنه، الزام به تنظیم سند رسمی اجاره مستقل به صورت مفروز» ۱۷۰
- دادخواست بیستم
«تقاضا دادنامه به عنوان اعاده دادرسی، خلعید و محکومیت به پرداخت عواید منافع، صدور دستور موقت و قرار تأمین خواسته» ۱۷۷
- دادخواست بیست و یکم
«تنفیذ صورتجلسه انتخاب نماینده موقوفعلیه موقوفه خاص و صدور حکم نمایندگی آنها وفق مفاد صورتجلسه» ۱۸۵
- دادخواست بیست و دوم
«حراز شرایط مذکور در گزارش اصلاحی و صدور اجرائیه» ۱۹۳
- دادخواست بیست و سوم
«تخلیه منزل مسکونی ملکی خواهان» ۲۰۰
- دادخواست بیست و چهارم
«حراز و اعلام بی اعتباری قولنامه» ۲۰۷
- دادخواست بیست و پنجم
«تخلیه عین مستأجره و مطالبه اجور موقوف» ۲۱۵
- دادخواست بیست و ششم
«حراز و اعلام عدم اعتبار قانونی و شرعی صورتجلس و پرداخت بهای عادله تأسیسات آبرسانی به نرخ روز «یوم الاداء» و مطالبه عواید حاصل از بهره برداری از تأسیسات آبرسانی و خلعید از پلاک ثبتی شماری که به صورت منزل مسکونی غصب شده و مطالبه اجرةالمثل ایام سکونت» ۲۲۵
- دادخواست بیست و هفتم
«حراز رابطه امانی بین خواهان ها و خوانده اول و مطالبه عواید قصایی و رد دعوی مطروحه از جانب خواندگان» ۲۳۴
- دادخواست بیست و هشتم
«تخلیه عین مستأجره به علت تعدی و تفریط» ۲۴۲
- دادخواست بیست و نهم
«اعلام بطلان قرارداد بدون تاریخ، ابرازی توسط خوانده در دعوی تقابل» ۲۴۹
- دادخواست سی ام
«اعلام بطلان صلح نامه و مبیعانه» ۲۵۶
- دادخواست سی و یکم
«حراز و اعلام فسخ مبیعانه، خلعید، مطالبه اجرةالمثل و صدور دستور موقت» ۲۶۵
- دادخواست سی و دوم
«مطالبه مبالغ خواسته براساس نظر کارشناس رسمی دادگستری در امور آبیاری، متساویاً از خواندگان» ۲۷۵
- دادخواست سی و سوم
«مطالبه وجه سفته، هزینه ای وخواست، خسارت تأخیر تأدیه و صدور قرار تأمین خواسته» ۲۸۵
- دادخواست سی و چهارم
«تعمیر یک دستگاه تراکتور و استرداد آن، پرداخت مبلغ ریال بابت اجاره بهای شش ماه آخر مدت اجاره، استرداد گوسفندان تحت حفاظت خواندگان و نتایج بهای گوسفندان ذبح شده و صدور قرار تأمین خواسته بدو براساس مبالغ تعیین شده برای خواسته و توقیف تراکتور» ۲۹۴
- دادخواست سی و پنجم
«اعلام بطلان معامله فصولی، رد دعوی اصلی و خلعید» ۳۰۳



- دادخواست سی و ششم
- ۳۱۰ «انتزاع ید و دستور موقت»
- دادخواست سی و هفتم
- ۳۱۸ «اعلام بطلان شرط در توافق نامه، محکومیت خوانده به برداشتن دربهای منصوبه در مدخل و ورودی راه پله»
- دادخواست سی و هشتم
- ۳۲۶ «مطالبه‌ی وجه حق کسب یا پیشه یا تجارت»
- دادخواست سی و نهم
- ۳۳۶ «استقرار ید استیجاری، مطالبه‌ی مبلغ ... ریال بابت تمهد، مطالبه‌ی اجرةالمثل مغازه‌ی استیجاری و صدور قرار تأمین خواسته»
- دادخواست چهلیم
- ۳۴۴ «تخلیه‌ی عین مستأجره به علت تعدی و تفریط و مطالبه‌ی خسارات ناشی از تخریب عین مستأجره و اعاده‌ی آن به وضع سابق»
- دادخواست چهل و یکم
- ۳۵۴ «ورود ثالث به خواسته‌ی ردّ دعوی خوانده‌ی دوم علیه خوانده‌ی اول و نقض رأی دادگاه بدوی»
- دادخواست چهل و دوم
- ۳۶۳ «مطالبه‌ی باقی مانده‌ی ثمن فروش اتومبیل و صدور قرار تأمین خواسته»
- دادخواست چهل و سوم
- ۳۶۸ «اعاده‌ی حیاط مشترک مجموعه‌ی احداثی به وضع سابق»
- دادخواست چهل و چهارم
- ۳۷۷ «مطالبه‌ی بهای حق کسب یا پیشه یا تجارت به نرخ عادلانه‌ی روز»
- دادخواست چهل و پنجم
- ۳۸۵ «اعلام بطلان عملیات مقدماتی ثبت، بطلان سند مالکیت، خلعید و قلع و قمع مستحدثات و اشجار و مطالبه‌ی اجرةالمثل»
- ۳۹۳ سه پیشنهاد برای قوه‌ی قضاییه
- ۴۰۰ هزینه‌ی دادرسی